

دکتر هراند - قوگاسیان

بمناسبت دهمین سال درگذشت

آودیک ایساهاکیان شاعر بزرگ ارمنی (۱۹۵۷-۱۸۷۵)

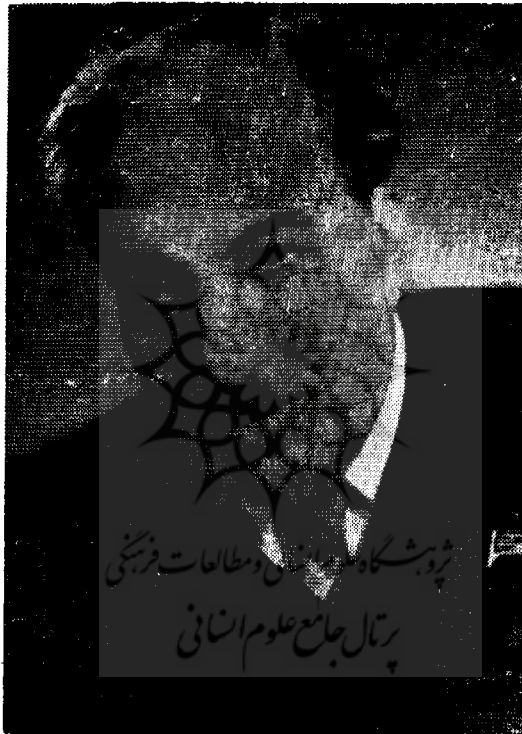
(شاعری که مظهر روحیات و آرزوهای ملت خویش بوده است)

انتشار ترجمه منظومه ابوالعلاء معری اثر دکتر آوتیک ایساهاکیان شاعر معروف ارمنستان در مجله ارمنان مورد توجه فضاء و ادباء ارمنی زبان جهان واقع گردید. روزنامه‌هایی که در جهان بزبان ارمنی انتشار می‌یابند از قبیل روزنامه هفتگی صدای ارمنستان، روزنامه الیک چاپ طهران و روزنامه‌های ازداک و اسپورک چاپ بیروت پس از ذکر خدمات پنجاه ساله ارمنان به زبان و ادبیات پارسی اقدام جدید این مجله را در مورد شناساندن زبان و ادبیات ارمنی به فارسی‌زبانان از طریق انتشار آثار ذقیمت شعراء و نویسندگان ارمنی زبان ستوده و از آن به نیکی یاد کرده‌اند. ما نیز ضمن سپاسگزاری از این توجه و اظهار لطف کوشش خواهیم نمود تا آنجا که مقدور است ترجمه آثار نویسندگان و شعرای معروف این زبان که علاقه‌مندانی فراوان دارد در ارمنان بچاپ برسد.

ارمنان

آودیک ایساهاکیان استاد سخن و گوینده نامی ربع قرن اخیر تاریخ ادبیات ارمنستان شرقی است که پیوسته سرآینده عشق و آرزو و دردها و نامرادیهای ملت خویش بوده است.

در سال ۱۸۷۵ در کنار سواحل دریاچه لادگا یعنی شهر الکساندراپل (لنین - آگان کنونی) کودکی دیده بجهان گشود که امروز همه از نام و آثارش با احترام و ستایشی تمام یاد میکنند .
این شاعر عالیقدر ابتدا تحصیلاتش را در مدرسه ملی زادگاهش شروع کرد



ولی هنوز از شاخ زندگی برکی نچیده بود که بسال ۱۸۸۵ اجباراً جلای وطن کرد و با دسته‌ئی از جوانان ارمنه بسوی روسیه رهسپار شد ، و در آنجا مشغول تحصیل گردید پس از آن وارد مدرسه « کیورکیان اجمیازین » گردید و در محیطی روح پرور ذوق و قریحه ادبی خویش را در راه آرمانهای ملی خویش پرورش داد .

ایساهاکیان از عنفوان شباب یعنی از دوازده سالگی بنویشتن و سرودن اشعار و نشر عقاید آزادیخواهانه خود پرداخت همین ذوق فطری یعنی عشق و علاقه به ادبیات او را در سال ۱۸۹۳ برای اولین بار باروفا کشانید و در آنجا وارد دانشگاههای وین و لایپ سیک گردید در اروپا ضمن ادامه تحصیل در مجامع ادبی و مجالس اجتماعی شرکت میکرد. و روز بروز بر تحقیقات و توانائی خود در زمینه علم و ادب میافزود تا اینکه پس از سه سال بارمنستان بازگشت و با فراغت بال بفعالیت ادبی پرداخت.

ایساهاکیان چون دارای روحی سرکش و آزادیخواه و قلمی توانا بود تحمل مشقت ها و در بدیهیهای ملتش از دست حکام و سرداران تزاری برایش مشکل بود. بدینجهت برای گسستن زنجیرهای ظلم و استبداد و نجات هم میهنانش از زیر یوغ استعمار شروع بفعالیت کرد ولی بعنوان عضو فعال و با ایمان انقلابیون علیه روسیه تزاری پس از چندی دستگیر شد و «در ایروان» زندانی گشت. ولی باز از پای ننشست و در زندان نیز بتوسعه افکار و عقاید خود همچنان ادامه داد. تا اینکه پس از رهائی از زندان یکی از آثار خود را بنام «ترانه ها و دردها» انتشار داد و توانست جای خود را برای همیشه در قلب هم میهنانش باز کند.

ایساهاکیان چون در اشعار خود بیشتر آرزوها و عواطف آرامنه زجر کشیده و مهجور مانده را منعکس می ساخت بعلاوه از آنجائی که اوضاع آشفته و نابسامانیهای آرامنه آن زمان خاطرش را آزرده میساخت هنگامی که در اعماق اندیشهها و تخیلات شاعرانه خود فرومیرفت شعلههای آتشین از نهادش زبانه میکشید که اساس و ریشههای ستمگران را بیاد یغما میداد و از هر گونه اذیت و آزاری پروا نداشت.

در سال ۱۸۹۸ ایساهاکیان مجدداً دستگیر و به بندر «ادسا» واقع در ساحل شمال غربی دریای سیاه تبعید و محبوس گشت ولی پس از آنکه یکسال از آن دوران سیاه

که مرتباً روح و جسم شاعر را رنج میداد - گذشت در سال ۱۸۹۹ بارمنستان بازگشت . این شاعر بزرگ و نویسنده پرکار که مدت بیش از نیم قرن زندگی ادبی او طول کشید پس از تحمل آنهمه عذاب ورنج و گذراندن دوران پرمشقت اسارت تنها بخاطر شور و احساسات مقدسی که پیوسته او را در ارتفاعات معنوی سوق میداد در سال ۱۹۰۰ بار دیگر باروفا سفر کرد و در دانشگاه « مونیخ » در رشته علوم فلسفه و ادبیات به تحصیل پرداخت .

ایساها کیان مسافرت های دیگر نیز در زمینه تحقیقات و سیر و سیاحت بکشور - های مختلف کرد از جمله در سال های ۱۹۰۱ و ۱۹۰۳ و ۱۹۰۸ بکشور های وین - باکو - پاریس رهسپار شد که از این مسافرت ها یک دنیا شهرت ، تجربه ، نیکنامی و فداکاری بود که همه را برای هم میهنانش بعنوان هدیه بارمغان آورد .

در سال ۱۹۰۸ هنگامیکه برای دومین بار پس از تجدید نظر کلی دو مجموعه اشعار « ترانه ها و دردها » آنها را بطبع رسانید همراه با عده ای از متفکرین برجسته ارامنه دستگیر شد و باز سالی دیگر از عمر شاعر در گوشه زندانهای تفلیس دستخوش ناآرامی و تفکرات آزادمنشانه اش گردید و پس از ششماه بارمنستان بازگشت و یکی از شاهکار های نفیس و ارزنده اش را که باید گفت بیشتر شهرتش مرهون آن است بنام منظومه « ابوالعلاء » باهل علم و ادب عرضه داشت . این منظومه بزبانهای گرجی - آلمانی ، انگلیسی - آذربایجانی - اسپانیایی - چکسلواکی - عربی و فارسی ترجمه گردیده است و بدین ترتیب شهرت این شاعر گرانمایه را روز افزون گردانیده است . شاعر آنرا در سال ۱۹۰۹ بلافاصله پس از رهائی از محبس سروده است . علی رغم آنچه که مشهود است وی از زندگی خانوادگی و زناشویی خویش ناراضیتی و ناراحتی نداشته است بلکه اوضاع آشفته و درگرون ارامنه آن زمان شاعر ملی را که خوننی پاك

و گرم در تن داشت آرام و ساکت نمیگذاشت بهمین جهت از قلم شاعر انساندوست عقاید و افکار بد بینانه‌ئی چون منظومه ابوالعلائی معری تراوش میکند .

« ای کاروان سر بلند . بسوی بادیه وحشی و سوزان پیش بران و در زیر آن صخره‌های زرد و سوخته اطراق کن .

بگذار خیمه‌ام را بر سر آشیانه مار و کژدم برافرازم . آنجا هزار بار ایمن نرم تا آنکه نزد ابناء ریا کار و خندان باشم » . عامل دیگری که در سرودن این منظومه جاویدان نقش مهمی داشته است روحیه افسرده و احساسات اندوهبار وی بوده است . این نکته در اغلب آثار ظریف و زیبای وی مشهود است چنانکه «نیکال اقبالیان» که از متقدین و محققین ارمنی و از دوستان شاعر است میگوید در مدرسه «کیور کیان - اجمیازین» شبها بارها بمامیگفت .

« برویم اختران آسمان را بنگریم و محزون شویم » و خلاصه در نهادش طبع توانا و لطافت ذوق و استعداد و افسردگی ذاتی و وضع نابسامان ملتش بهم درآمیخته و زنجیری از مروراید سخن بافته و منظومه ابوالعلائی معری را که از گنجینه‌های پر کهر ادبیات ارمنیست بوجود آورده است .

ایساهاکیان در سال ۱۹۱۱ مجدداً باروفا سفر کرد و در کشورهای مختلف آنجا بمطالعه و سیاحت پرداخت و در سال ۱۹۲۶ بارمنستان بازگشت و تا سال ۱۹۳۰ در آنجا اقامت گزید . آنگاه برای آخرین بار باروفا مسافرت کرد و در سال ۱۹۳۶ برای همیشه بارمنستان بازگشت .

سراسر عمر آودیک ایساهاکیان بکشمکشها و آوارگیها گذشت و شیرین‌ترین و لذت بخش‌ترین سالهای عمرش را در سلولهای زندان باسارت و تبعید و دربدری گذرانید ولی عجب آنکه بیشتر شهرت خود را در همین دوران بدست آورد . و آثار

نفی‌ش را در همین ایام سرود .

اینک نمونه‌ئی از ترانه‌هایش که حاوی شرح ایام در بدری و آوارگی خود و ملتش بوده است در اینجا آورده میشود .

سیر درد من رؤیا نداری بهر جا پا گذاری جا نداری
کنی در هر کجاسیر و سیاحت در آغوش کسی ماوا نداری

این شاعر آشفته حال و حساس با قدرت طبع و لطافت ذوقی که دارا بود چنان احساسات و شجاعتی از خود نشان داد که زبانزد خاص و عام گشت و آنقدر بر بالهای لطیف و محکم اندیشه‌های مردم اوج گرفت که بلقب « واربت » (در زبان ارمنی یعنی استاد) مفتخر گردید و توانست بارها بر یاست انجمن‌های ادبی ارمنستان برسد .

اما مقایسه زندگی اروپائی با وضع رقت بار هم میهنان خود حس وطنخواهیش را پی در پی بهیجان در می‌آورد طبع توانایش را آشبار و روح عاصیش را سرشار از طوفان خشم و نفرت میساخت در این زمینه در یکی از اشعارش سخن گفته است .

از زبده ترین ترانه‌هایش عبارتند از :

ترانه‌های « آلا کیاز » « بینگیول » « ماچکال » « قلب مادر » « فرزند غریب » « یاری که دوست میداشتم بردند » « چشمان سیاه » « ابرهای سیاه » « ترانه‌های عاشق دوره گرد » و ده‌ها ترانه دیگر که هر کدام بنوبه خود حاکی از يك دنیا لطافت و جذبه و سرشار از هیجان و احساسات مقدس و دوست‌داشتنی است که روح هر خواننده‌ای از خواندن آن محظوظ و در عین حال متأثر می‌گردد تا آنجائی که بی اختیار عنان صبر و شکیبائی را از دست میدهد و بروان پر فتوح این شاعر میهن دوست و ملت نواز دور می‌فرستد .

ایساها کیان در زمینه نشر و داستانرئی نیز مهارتی عجیب داشته است و باتبحر

و چیره دستی خاصی از اوضاع و احوال ملت خود الهام گرفته و آثاری بصورت نثر شاعرانه برشته تحریر درآورده است. داستان «مهر ساسونی» که در آن ایساهاکیان وضع نابسامان ارمنستان را پس از ششصد سال دوران اسارت و بردگی که باستقلال و آزادی منتهی شده است بطور شیدائی در قالب الفاظ و کلماتی موزون ریخته و در پیش چشم خواننده مجسم میسازد. نویسنده در این داستان پس از آنکه بر ژباها و آرمانهای خود میرسد از تهور و شجاعت سلحشوران و دلاوران ارمنی الهام گرفته و شیپور آزادی و استقلال ارمنستان و پیروزی ملت نجیب ارمنی را بصدا درمیآورد.

ایساهاکیان مطابق فهم عموم و گاهی با زبانی عامیانه سخن میگوید در دیوانش کلمات مصطلح عامیانه ارمنی و تعداد زیادی از کلمات فارسی بچشم میخورد. اشعاری درستایش از سخنسرایان ایرانی چون سعدی - حافظ و خیام سروده است. تألیفاتی دیگر از این شاعر وارسته در دست است بنام «لی لیت» «چیق شکیبائی» «آنها پرچم ندارند» خاطرات ضرب المثل ها. خطابه ها که هر کدام از این آثار گرانبها و ذیقیمت چندین مرتبه بچاپ رسیده است. و بعضی از آنها نیز بزبانهای مختلف ترجمه و شهرت جهانی یافته است. آثار دیگری که نیز از او باقی است؛ یک سلسله ترجمه‌هایی است از شعرا و نویسندگان آلمانی. روسی. گرجی. تعداد زیادی از آثار و تألیفات گرانبهای این شاعر بزبانهای مختلف جهان ترجمه شده است.

آودیک ایساهاکیان در زمان حیاتش بارها باخذ نشانهای گوناگون نائل شد و چنان محبوب القلوب گردید که در سال ۱۹۶۵ مجسمه او را در ارمنستان بر سر چهارراهی بنام خود او با شوکتی بس عظیم سرپا کردند. خانه مسکونی وی را اخیراً در شهر ایروان بطرزی خاص از طرف سازمان ادبی و هنری ارمنستان بهمان سبک شاعرانه وی محفوظ نگاه میدارند. این خانه چنان ترتیب یافته که هر کس به مجرد

ورود با نجا میتواند درست روح زنده کنونی و سبک تمکین گذشته او را در زمان حیات به بیند و با تماشای آن چنان مبهوت میشود که می‌انگارد که گویا هنوز نمرده است . مدفنش زیارتگاه اهل دل و مسکنش قبله گاه ادب دوستان و صاحب نظرانست . این مرد بزرگ که مظهر انقلاب و نمونه فضیلت و شرافت بود در سال ۱۹۳۶ که آخرین بازگشت او با غوش مام وطن بشمار میرود بخاطر وطن دوستی فصل نوینی در دفتر آثار خود باز کرد . و بساختن و پرداختن با سبک جدید مشغول گشت . وی بقیه عمر خود را خشنود و شادمان بیاد عشقهای سوزان گذشته بسرودن اشعار دلکش و مردم پسند در خاک میهنش گذارند .

تناسبات لفظی و تشبیهات بدیع و مضامین بکر و شیدا که در اینهنگام بکار برده است بکلامش یکنوع شادابی و زیبایی خاصی بخشیده است و آنها را نشاط افزا و دلچسب میگرداند .

قوافی روان و آهنگ های موزون و روح پرور در اشعار وی قلب شنونده و خواننده را به اهتزاز در میآورد و جبران لقبی را که بنام « آوازه خوان دوره کرد » باو داده بودند مینماید .

اشعارش گذشته از تهییج غرور ملی تأثیرات عمیق و نیکوئی در اراهنه خارج از وطن و دور افتاده بجای میگذارد که بخاطر آن میتوان « باو سلطان قلبها » نیز نام داد . روش و سبک بدیع ایساها کیان را در نظم و نثر گویندگان و نویسندگان زبردست و معروف معاصر ارمنی اقتفا کرده اند . و بتقلید از او باذوق و حالتی بسیار زیبا بخصوص در زمیه « آوازه های دوره کرد » اشعار متعددی سروده اند .

آودیک ایساها کیان پس از گذشتن هشتاد و دو بهار از عمرش موقعیکه آفتاب یکی از روز های پائیز سال ۱۹۵۷ طلوع میکرد برای همیشه از این جهان رخت

بر بست و مرغ روحش همگام با پرندگان سبکیال بهشتی بسوی آسمانها درهاوراء عالم بشریت در دنیائی خالی از ماجراها و پلیدیها پرواز کرد و آن اختر تابناک آسمان شعر و ادب تا ابد غروب کرد و با مرگ خود یکعالم غم و اندوه برای ادب دوستان و جامعه آرامنه باقی گذاشت .

مردم از شهرها و دهات ارمنستان سواره و پیاده میآمدند تا در زیر باران جنازه « وارپت » را بردوش خود مشایعت کنند .

ایساهاکیان نام و آثارش هر کدام بمثابه گوهری است که برای همیشه در آسمان ادبیات میدرخشد .

منابع زبان ارمنی که در تنظیم این مقاله از آنها استفاده شده است .

- ۱ - مقاله‌ئی تحت عنوان «شاعر بزرگ ارمنی» بقلم آرمن دنویان بیروت ۱۹۶۶ .
- ۲ - مقدمه کتاب « ترانه های سلحشور » نوشته آرمن دنویان ۱۹۶۰ .
- ۳ - کتاب زندگی و آثار ایساهاکیان .

نوشته هوانس قانالانیان چاپ ایروان ۱۹۵۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ارادت بیچون یکی را از تخت شاهی فرود آورد و دیگری را در شکم ماهی نیکو دارد هر دو کمال حکمت اوست .
(سعدی)